

هولاند - بلاریکوم، جناب مستر جورج

انزلین علیہ بہاء...

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



هولاند

بلاریکوم، جناب مستر جورج انزلین علیہ بہاء اللہ الابی

هو الله

ای منجذب بملکوت اللہ، نامہ ئی کہ بتاریخ ۲۲ مای ۱۹۱۹ ارسال نموده بودی رسید. از مضمون نہایت سرور حاصل گردید الحمد للہ آن شخص محترم تشنه چشمہ حیاتست و طالب سبیل نجات تحرّی حقیقت مینماید و از تقلید بکلی بیزار این عصر عصر حقیقت است افکار پوسیدہ ہزاران سالہ منفور عاقلان با ہوش و عالمان پر جوش و خروش. در این قرن عظیم جمیع اصول قدیمہ پوسیدہ بکلی متروک شدہ در ہر خصوص افکار جدیدہ بمیان آمدہ. مثلاً معارف قدیمہ متروک معارف جدیدہ مقبول، سیاسیات قدیمہ متروک سیاسیات جدیدہ مقبول، علوم قدیمہ بکلی متروک علوم جدیدہ مرغوب، آداب قدیمہ فراموش شدہ. آداب جدیدہ بمیان آمدہ، مشروعات جدیدہ و اکتشافات جدیدہ و تحقیقات جدیدہ و اختراعات جدیدہ حیرت بخش عقول گردیدہ. جمیع امور تجدّد یافتہ. پس باید کہ حقیقت دین الہی نیز تجدّد یابد تقلید بکلی زائل شود، و نور حقیقت بتابد تعالیمیکہ روح این عصر است ترویج گردد و آن تعالیم حضرت بہاء اللہ کہ مشہور آفاق است و نفثات روح القدس است.



ORIGINAL



AUDIO

از جمله تحرّی حقیقت که باید بکلی تقلید را فراموش کرد و سراج حقیقت را روشن نمود. من جمله وحدت عالم انسانیست که جمیع خلق اغنام الهی هستند و خدا شبان مهربان. و جمیع اغنام الطاف بی پایان مبذول میدارد. نهایت اینست بعضی جاهلند باید تعلیم داد. بعضی علیند باید علاج نمود، بعضی طفلند باید بلوغ رساند نه اینکه طفل و علیل و نادان را مبعوض داشت بالعکس باید بی نهایت مهربان بود از جمله دین باید سبب الفت و محبت بین بشر باشد و اگر چنانچه سبب بغض و عداوت باشد فقدانش بهتر. از جمله باید دین و عقل مطابق باشند عقل سلیم باید تصدیق نماید. از جمله حقّ و عدل است و مساوات و مواسات طوعی یعنی انسان طوعاً و بکمال رغبت باید دیگری را بر خود ترجیح دهد، ولی نه بجزیر بلکه بجهت الهی چنان یک دیگر را دوست دارند که جان فدا نمایند چنانچه بهائیان در ایرانند.

و من جمله تعصّب دینی، تعصّب جنسی، تعصّب ترابی، تعصّب سیاسی هادم بنیان انسانیست تا این تعصبات موجود عالم انسانی هر چند بظاهر متمدّن ولی بحقیقت توحش محض است و جنگ و جدال و نزاع و قتال نهایت نیابد. از جمله صلح عمومیست. و از جمله تأسیس محکمه کبری تا جمیع مسائل مشکله دولی و مللی در محکمه کبری حلّ گردد از جمله حرّیت الهی یعنی خلاصی و نجات از عالم طبیعت. زیرا انسان تا اسیر طبیعت است حیوان درنده است. از جمله مساوات رجال و نساء. زیرا عالم انسانی را دو بال یکی ذکور و یکی اناث تا هر دو بال قوی نگردند عالم انسانی پرواز نماید و فلاح و نجاح حاصل نکند. از جمله اینکه دین حصن حصین است و عالم انسانی اگر متمسک بدین نباشد هرج و مرج گردد و بکلی انتظام امور مختل شود.

از جمله اینکه مدنّیت مادّی باید منضمّ بمدنّیت الهی باشد. مدنّیت مادّی مانند زجاج است و مدنّیت الهی مانند سراج، مدنّیت مادّی مانند جسم است ولو در نهایت جمال باشد مدنّیت الهی مانند روح است، جسم بی روح فائده ئی ندارد. پس عالم انسانی محتاج بنفحات روح القدس است بدون این روح مرده و بدون این نور ظلمت اندر ظلمت است. عالم طبیعت عالم حیوانیست تا انسان ولادت ثانی از عالم طبیعت نیابد. یعنی منسلخ از عالم طبیعت نگردد حیوان محض است. تعالیم الهی این حیوان را انسان نماید و از این قبیل تعالیم بهاءالله بسیار که حیات مینخشد و جهانرا روشن مینماید. هر چیز تجدد یافته است. البته باید تعالیم دینی نیز تجدد یابد.

ای مستبشر ببشارات الله، کمر همت بر بند و بتمام قوّت قیام نما تا آن اقلیم را بتعالیم الهی روشن نمائی و خارستانرا گلزار و گلشن کنی و یقین بدان که تأییدات ملکوتیه پی در پی میرسد. و علیک البهاء
الابهی حیفا ۲۶ اغسطس سنه ۱۹۱۹ عع

